

## مهر مادر

برای دخترانم که پروانه وار گرد شمع وجود مادرشان  
میچرخند و به من نشاط زندگی می بخشند

یقین بدان که چنین نور مهر مادر بود  
اگر که چشم خرد و کنیم کمتر بود  
همیشه درخور اعزاز و فخر بی مر بود  
به بزم ناموران مقتدا و سرور بود  
که ملک هستی ما در کفش مسخر بود  
به گشت سال و مهان بی رقیب و افسر بود  
وجود اطهرش ارزنده تر ز گوهر بود  
زنی که بر همه عالم مراد و مهتر بود  
به لطف و مرحمتش هم توان و همسر بود  
درخت زندگی بی بها و بی بر بود  
که هم بزاد ترا و هم انیس و یاور بود  
از او چه کس به تو نزدیک و مهربانتر بود  
که این شعار همان گفته ی پیمبر بود  
به گفتم این سخن هر چند دیر باور بود  
چنین خدای همان رنجیده مادر بود  
کجا ز واژه مادر کلام بهتر بود  
ولی محبت مادر حدیث دیگر بود  
گر هم ترا به جهان صد هزار خواهر بود  
به سالهای فراوان یگانه سنگر بود  
که مهر مادر از هر دفینه بر تر بود

دلت به نور و جودی گر منور بود  
پریرخی که مثالش به کارگاه وجود  
مه فرشته خصالی که پیش شاه و گدا  
به نزد ساده دلان همنشین یکرنگی  
ندیده ای به صفا و به مهر و پاکدلیش  
به فرق زندگی خلق نام والایش  
دلش سراچه مهر و محبت و ایمان  
نژاد مادر گیتی چنو خجسته زنی  
که قادر است که در ملک دل به غمخواری  
ترا اگر نبود مهر مادر در سر  
سزاست گر که کنی سجده در برابر او  
بهشت گر بخواهیت، تو قدر مادر دان  
بهشت زیر قدم های مادران باشد  
فرشتگان من! ای دختران معصوم  
اگر بغیر خدا خالق دیگر باشد  
اگر که قافیه تکرار گشت خرده مگیر  
پدر اگر چه بود سایه بر سر فرزند  
کجا توانی بی مادری قبول کنی  
چو زنده است مرنجان دلش که بهر تو او  
سخن دراز شد اما سزاست گفتن این

رضا شاپوریان

پنجشنبه سوم دسامبر ۱۹۹۸